

تبیین رویکرد ادبی ابن شهرآشوب مازندرانی و بررسی

سروده های وی

باقر قربانی زرین^۱

چکیده

سده ی ششم هجری دوران شکوفائی علوم ادبی و اسلامی بود. دانشمندان بزرگی در این دوران زیستند و آثاری گرانسنگ از خود برجای نهادند: طبرسی، ابوالفتوح رازی، زمخشری، بیهقی، ابن جوزی، ابن قتال نیشابوری و ابن اثیر از شمار این عالمانند. یکی از این دانشمندان ذوالقنون ابن شهرآشوب مازندرانی بود که پس از بهره گیری از استادان نامی به تالیف آثاری ارزشمند دست یازید. تسلط ابن شهرآشوب بر ادبیات و شعر عربی در آثار او نمایان است. از او چند قطعه شعر نیز بر جای مانده است. وی در آثار قرآنی خود نیز از قواعد عربی و نحوی و صنایع ادبی و بلاغی فراوان بهره برده است. در این نوشتار جایگاه ادبی این عالم جامع واکاوی و سروده های وی، تحلیل و بررسی شده است.

کلید واژه ها: ابن شهرآشوب مازندرانی، جایگاه ادبی، ادبیات عربی، سروده های دینی و آیینی.

مقدمه

رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی ادیب و دانشمند کم نظیر شیعه در سده ششم هجری شخصیتی ذوالفنون و جامع الاطراف بود. وی محضر بسیاری از دانشمندان زمان خود را درک کرده بود که از جمله آنان می توان به شیخ ابوالفتح رازی صاحب تفسیر *روض الجنان*، طبرسی مؤلف *مجمع البیان*، ابن فتال نیشابوری صاحب *روضه الواعظین* و زمخشری صاحب *الکشاف* اشارت کرد.

ابن شهر آشوب در تفسیر، حدیث، فقه و اصول سرآمد اقران بود (نک: ذهبی، ۱۴۱۷، ۳۰۹-۳۱۰؛ صفدی، ۱۶۴/۱۹۷۴، ۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۳، ۷/ ۳۸۹-۳۹۰؛ فیروز آبادی، ۱۴۲۱، ۲۷۸-۲۷۹؛ سیوطی، ۱۹۶۴، ۱/۱۸۱).

ابن فوطی شیبانی (۱۹۶۲، جزء ۴، ق ۳۲۵/۱) ابن شهر آشوب را از «اعیان فقها» و از حافظان مذهب شیعه بر شمرده است. به تعبیر علامه شهرستانی (مقدمه متشابه القرآن و مختلفه، ۱۴۱۰، ۱/ ز) پس از شیخ طوسی کسی ملقب به «شیخ الطائفه» نگشت مگر ابن شهر آشوب.

هدف این نوشتار پرداختن به شرح احوال و زندگانی ابن شهر آشوب نیست زیرا در این زمینه مقالات و آثاری منتشر شده است بلکه مراد، تبیین جایگاه ادبی وی و بررسی سروده های اوست. از ویژگی های ابن شهر آشوب که در منابع بدان اشارت رفته است «وسعت دانش» اوست. یکی از آثار ابن شهر آشوب کتاب «الفصول» در علم نحو در بردارنده «امّهات» مسائل علم نحو بوده است (نک: صفدی، ۱۹۷۴، ۱۶۴/۴؛ سیوطی، ۱۹۶۴، ۱/۱۸۱) دیگر اثر وی کتابی است در «فصل و وصل» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۳، ۷/۳۹۰).

«فصل و وصل» از ابواب مهم علم معانی بشمار است (نک: سکاکی، ۱۹۳۷، ۱۱۹-۱۳۱) تا بدانجا که جاحظ بصری (م. ۲۵۵ هـ.) از قول برخی اهل بلاغت آورده است که بلاغت عبارت است از شناخت فصل و وصل (نک: *البیان و التبیین*، ۱/۸۸). دو کتاب

نیز با عنوان های «الأوصاف» و «المثال فی الأمثال» از جمله آثار ابن شهر آشوب بوده اند (معالم العلماء ، ۱۰۶) افزون بر این آثار که به طور خاص درباره مسائل ادبی (نحو ، بلاغت، اوصاف و امثال) نگاشته شده نوشته های دیگری نیز در فهرست آثار ابن شهر آشوب به چشم می خورد که در برگیرنده برخی مسائل ادبی است مانند *المائدة والفائدة* که نوادر و فرائد در آن گرد آمده بوده است (صفدی، ۱۹۷۴، همانجا) و کتاب *المکنون و المخزون فی عیون الفنون* (فیروزآبادی، ۱۴۲۱، ۲۷۹) که از نام آن بر می آید که فنون مختلف ادبی و غیر ادبی در آن گردآوری شده بوده است. متأسفانه هیچ یک از این آثار به دست ما نرسیده است.

دانشمندان بزرگ عامه از جمله ذهبی (م. ۷۴۸ هـ ، همان ۳۰۹) ، صفدی (م. ۷۶۴ هـ ، همانجا) ، ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ هـ ، همان، ۷/ ۳۸۹) و سیوطی (م. ۹۱۱ هـ ، همانجا) به پیشگامی ابن شهر آشوب در چندین دانش از جمله عربیت و نحو تصریح کرده اند. به گفته داودی (۱۴۰۳ ، ۲۰۱/۲) جایگاه ابن شهر آشوب در میان شیعیان از حیث تالیف آثار همان جایگاه خطیب بغدادی است در میان اهل سنت. تفرشی (۱۴۱۸ ، ۲۷۶/۴) و شیخ حرّ عاملی (۱۳۶۲ ، ۲/ ۲۸۵) ابن شهر آشوب را شاعر ، بلیغ ، منشی و جامع محاسن معرفی کرده اند، همچنین او را فردی خوش محاوره ، گوینده الفاظ دل نشین و گوارا و غوطه ور در معانی لطیف دانسته اند (ذهبی، ۱۴۱۷ ، ۳۱۰؛ صفدی، ۱۹۷۴ ، و ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۳، همانجا).

گویند که مردم حلب ضبط صحیح نام ابن بطه - نام مشترک میان دو دانشمند شیعی و حنبلی - را نمی دانستند تا اینکه ابن شهر آشوب وارد حلب شد و گفت: «ضبط نام ابن بطه حنبلی به فتح باء است، و ضبط نام ابن بطه شیعی به ضم باء. (داودی، ۱۴۰۳ ، ۲۰۲/۲) به گفته فیروز آبادی (۱۴۲۱ ، ۲۷۹) و دیگران آن گاه که ابن شهر آشوب در بغداد اقامت داشت در ایام خلافت المقتفی لأمرالله (م. ۵۵۵ هـ.) به وعظ می پرداخت و خلیفه بغداد از فصاحت و دانش او در شگفت بود.

رویکرد ادبی ابن شهر آشوب :

ابن شهر آشوب در تمام تألیفات خود حتی در آثار دینی و قرآنی به اشعار و مباحث ادبی و بلاغی توجه ویژه ای از خود نشان داده که حاکی از ذوق ادبی و شعری اوست. می دانیم که کتاب *معالم العلماء* ابن شهر آشوب تکمله ای بر فهرست شیخ طوسی است. در قسمت پایانی این کتاب (۱۳۴-۱۴۲) بخشی با عنوان « فی بعض شعراء أهل البیت علیهم السلام» آمده که ابن شهر آشوب شاعران اهل بیت (ع) را در چهار گروه المجاهرون، المقتصدون، المتقون و المتکلفون تقسیم کرده و اشاراتی کوتاه و ارزشمند درباره آنان آورده است. برای نمونه در باره علی بن محمد بن عمار برقی آورده که دشمنان، دیوانش را از بین بردند و زبانش را بریدند (همان، ۱۳۵) و درباره ابن حجاج گفته که نزد ابن رومی دانش اندوخت و از بلاد عجم بود (همان، ۱۳۶) و در باره کثیر عزه آورده که امام باقر علیه السلام در تشییع جنازه او حاضر شد (همان، ۱۴۰) در این اثر نام ده ها شاعر شیعی ذکر شده و خود نوعی تاریخ ادبیات شیعی است. در کتاب های رجالی تألیف یافته پیش از ابن شهر آشوب نظیر *رجال کشی*، *رجال نجاشی*، *فهرست شیخ طوسی* و *فهرست شیخ منتجب الدین رازی* این کار مرسوم نبوده و به گفته زنده یاد استاد عباس اقبال آشتیانی (مقدمه *معالم العلماء*، ۱۱) در نوع خود منحصر به فرد است.

ابن شهر آشوب در دیگر اثر ارزشمند خود با عنوان *متشابه القرآن و مختلفه*، که به تعبیر علامه آقابزرگ طهرانی (۱۴۰۳، ۶۲/۱۹) «کتابی است شگفت انگیز و بیانگر توانایی و کمال مؤلف آن»، در کنار مباحث مربوط به علوم قرآنی از مباحث ادبی نیز غافل نبوده است. برای نمونه درباره اینکه چرا برخی واژگان در قرآن کریم هم با صفت مذکر و هم با صفت مؤنث به کار رفته اند آورده است: قرآن کریم در یک جا «بلده طیبه» (سبأ، ۱۵) به کار برده و در جای دیگر فرموده «بلده میتاً» (الفرقان، ۴۹) توجیه آن چیست؟ سپس خود توضیح داده است که صفت در زبان عربی گاه با ظاهر موصوف

خود مطابقت دارد مانند «بلده طيبة» و گاه با باطن و محتوای موصوف که همان «مکان» است مانند «بلده میتا» در مفهوم مکاناً میتاً. از این رو در قرآن کریم می‌خوانیم «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» (الانشقاق، ۱) از آن جهت که سماء مؤنث بوده فعل آن نیز به شکل مؤنث آمده است و در جای دیگر می‌خوانیم «السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ» (المزمل، ۱۸) که در اینجا مراد از سماء، سقف است لذا منفطر به شکل مذکر آمده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۹، ۳۹۸/۴) برخی از مباحث نحوی مربوط به قرآن کریم در این کتاب عبارتند از: تغلیب، عدد و معدود، واحد و جمع، غیر منصرف، اشباع، اقسام واو، استثناء، شرط، منصوب بودن نکره پس از معرفه، تأکید، من موصوله و آمدن «لولا» بر سر فعل ماضی (برای تفصیل نک: همو، ۱۴۲۹، ۴۰۹/۴ - ۴۶۹). در این کتاب مباحث بلاغی نیز مطرح شده است مطالبی نظیر حقیقت و مجاز، حذف، وضع الکلام فی غیر موضعه، استعاره، التفات و ... (برای تفصیل نک: همو، ۱۴۲۹، ۷/۵ - ۸۷). ابن شهر آشوب در این کتاب فراوان از سروده‌های عربی شاهد آورده و بدانها استشهاد جسته است.

در تفاسیر قرآن کریم استشهاد به اشعار شیوه‌ای رایج بوده است (برای انواع استفاده‌ها و نمونه‌های آن نک: قربانی زرین، ۱۳۸۳، ۲۲۲-۲۲۴) ابن شهر آشوب نیز در این کتاب خود، که نوعی تفسیر بر قرآن کریم است، از سروده‌های عربی شاهد آورده است. این استشهادها گاه برای بیان معانی واژگان است مانند معنای کتابت برای واژه ی وحی (همان، ۳۳۴/۲)؛ معنای اراده و بیان این نکته که اراده ی معصیت نیز معصیت است از سروده ی کعب بن زهیر شاهد آمده است:

فكَمْ فِيهِمْ مِنْ سَيِّدٍ مُتَوَسِّعٍ وَ مِنْ فَاعِلٍ لِلْخَيْرِ إِنْ هَمَّ أَوْ عَزَمَ

که میان «هَمَّ» و «عزم» فرق گذارده شده است چرا که عزم مقدمه نیت است (همان، ۴۱۰/۲). و در بیان اینکه گاهی اوقات «سمع» فقط به معنی شنیدن نیست و گاه «پذیرفتن» نیز در مفهوم آن تعبیه شده است از این رو وقتی گفته می‌شود:

« خاطبتُ فلاناً فما سمع كلامي » اینجا مراد از نشیندن ، نپذیرفتن است. یعنی فلانی را مورد خطاب قرار دادم و او سخن مرا نپذیرفت. شاعر عرب سروده است :
دَعْوَتُ اللَّهِ حَتَّى خَفْتُ أَلَّا يَكُونَ اللَّهُ يَسْمَعُ مَا أَقُولُ

یعنی خوف آن دارم که خداوند سخنم را نپذیرد (همان، ۳ / ۲۳۷).
گاه استشهاد به شعر برای مباحث نحوی است، مانند آوردن شعری از هُدلی در حذف جوابِ اذا (همان، ۲ / ۲۴۳) و گاه استشهاد به سروده ها در مباحث کلامی است: مانند بحث اختیار (همان، ۲ / ۲۹۷)؛ علم خداوند (همان ، ۳ / ۲۲۹)؛ قدیم یا مخلوق بودن قرآن کریم (همان ، ۳ / ۲۴۶-۲۴۷).

ابن شهر آشوب در دیگر کتاب گرانسنگ خود مناقب آل ابی طالب که در نوع خود کم نظیر است با استفاده از سروده های شاعران و بخشی از سروده های خود کتاب را به جُنْگی ارزشمند از اشعار در کنار روایات تبدیل کرده است. در هیچ یک از کتاب هایی که درباره مناقب اهل بیت علیهم السلام نگارش یافته این مقدار از اشعار نیامده است. برای نمونه می توان به کتاب ابن مغزلی (۱۴۲۷، ۵۱۱) مراجعه کرد که فهرست اشعار آن فقط در یک صفحه آمده است، اما فهرست اشعار کتاب ابن شهر آشوب که چند هزار بیت است، ۹۳ صفحه از بخش فهرستها را به خود اختصاص داده است (نک : ابن شهر آشوب ، ۱۳۸۵ ، ۵ / ۳۳۵-۴۲۸).

طرفه آنکه برخی ابیاتی که ابن شهر آشوب در این کتاب نقل کرده تنها منبع آن سروده ها ست و این امر ارزش ادبی کتاب را مشخص می سازد، برای نمونه سروده ای از

دعبل خزاعی^(۱)، شاعر مقتول شیعی در سال ۲۴۶هـ، که می‌تواند پیشاهنگ سرودن موشحات در سده ی سوم قلمداد شود، در مدح حضرت علی علیه السلام در کتاب مناقب آمده که تنها منبع این سروده است (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۸۵، ۳۲۳/۲، ۷۱/۳) نمونه دیگر آوردن ابیاتی از قصیده بلند نونیه از احمد بن علویه اصفهانی، مشهور به اسود، ابن الاسود، ابو الاسود و کاتب (متوفی ۳۱۲/۳۲۰ ق) است. این قصیده که به گفته ابن شهر آشوب در *معالم العلماء* (۱۳۵۳، ۱۹) دارای بیش از ۸۳۰ بیت و مشهور به الفیه و مُحَبَّرَه است در مباحث مربوط به امامت و فضایل حضرت علی علیه السلام. این قصیده تا بدانجا غرّاء بوده که وقتی بر ابوحاتم سجستانی عرضه گشت او شگفت زده شد و گفت: ای بصریان! شاعری از اصفهان بر شما چیره گشت! (یاقوت حموی، ۱۹۹۳، ۴۰۹/۱) تنها ابن شهر آشوب بخشهایی از این قصیده را در *المناقب* (۱۳۸۵، ۱۴۸/۲، ۱۶۱، ۲۲۲، ۲۷۱؛ ۱۷/۳، ۱۵۷، ۳۹۴ و ...) و *متشابه القرآن* (۱۴۲۹، ۲۹۶/۲) آورده است. علامه سید محسن امین در *اعیان الشیعه* (۱۴۰۳، ۳ / ۲۳ - ۲۶) ۲۱۲ بیت از این الفیه را از آثار ابن شهر آشوب گرد آوری کرده است.

ابن شهر آشوب در *المناقب* خود از بیش از ۴۰۰ شاعر شعر نقل کرده است (درگاهی، ۱۳۹۱، ۲۴) یکی از نوآوری های ابن شهر آشوب که از اطلاعات گسترده ی لغوی وی

۱ - سروده دعبل خزاعی که در بحر مجزوء رجز بوده و نوعی تنوع قافیه در آن نمایان است و همان طور که گفته شد، می‌تواند پیشاهنگ سرودن موشحات در سده سوم قلمداد شود این است: (نک: *دعبل الخزاعی*، ۱۴۰۳، ۳۵۱ -

أبوتراپ حیدره / ذاک الإمام القسوره / مُبید کلّ الکفره / لیس له مُناضِلُ
مبارز ما یرهب / و ضیغم ما یُعَلَبُ / و صادق لایکذب / و فارس مُحاولُ
سیفُ النبی الصادق / مُبید کلّ فاسق / بمرهف ذی بارق / أخلصه الصیاقلُ
صیره هارونه / فی قومہ امینهُ / فقد قضی دیونهُ / ولم یکن یماطلُ

نشأت یافته است آوردن فصلی در باب مناقب حضرت علی علیه السلام است با اشاره به مناقب ، القاب و کنیه های آن حضرت به ترتیب حروف الفبا (نک : ابن شهر آشوب ، ۱۳۸۵ ، ۳/۳۲۱-۳۳۴؛ درگاهی ، همانجا).

بررسی سروده های ابن شهر آشوب :

ابن شهر آشوب در دیباچه کتاب (۱/۳۴-۳۵) که در توضیح شیوه کار اوست آورده که من در آوردن اخبار به جهت اختصار به متن آنها بسنده کردم سپس این احادیث را با «شواهد شعری» آراستم ... وی در این کتاب به مناسبت ، برخی سروده های خود را در منقبت اهل بیت علیهم السلام نقل کرده است. او در مجموع ۳۳ بیت از سروده هایش را در این کتاب و یک بیت را در *متشابه القرآن* آورده است.

البته پر واضح است که ابن شهر آشوب به واسطه دانش های گوناگون لغوی ، ادبی و علوم دینی ملکه شعری را نیز دارا بوده است ولی به عنوان یک عالم دینی و یک محدث . لذا شعر او از جهت شاعری در درجه بسیار عالی جای نمی گیرد. بلکه به گفته حامد المومن (*متشابه القرآن* ، ۱۴۲۹ ، ۱/۱۲) سروده های ابن شهر آشوب رنگ علمی و جنبه ی عقیدتی داشته است.

از این رو غالب سروده های او در برگیرنده مضامین آیات و روایات است که در ذیل به بررسی آنها می پردازیم:

۱- وی در جلد نخست (ص ۳۲۴) پس از نقل سه حدیث: یکی در مذمت و ردّ غالیان (= غلات) که عظمت پروردگار را کوچک می شمردند و صفت ربوبیت را در حق بندگان روا می دانند ؛ و حدیث دیگری به نقل از امام احمد حنبل و ابوالسعادات از پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: ای علی ! مثل تو در این امت مثل عیسی بن مریم است که گروهی در محبتش راه افراط پیمودند و گروهی دیگر در دشمنی اش. آیه قرآن نیز بر این معنا نازل شد: « *وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ* » (الزخرف ، ۵۷) «و چون بر عیسی بن مریم مثلی زده شد [ای رسول] بر قوم تو گران آمد و آنان به فریاد آمدند».

در روایت سوم ابن شهر آشوب به نقل از ابوسعید واعظ نیشابوری (۱۳۸۵، ۲۸۹ - ۲۹۰) چنین آورده است: «چون امیرالمؤمنین علی از فتح خیبر باز آمد رسول، علیه السلام، گفت علی را، اگر نه آن بودی که جماعتی از امت من در حق تو آن گویند که ترسایان گفتند در حق عیسی، من بگفتمی در حق تو قولی را که بر نگذری تو به جمعی الا که برگیرند خاک پای تو و افزونی آب که از طهارت وضوی تو بمانده باشد و بدان شفا جویند از دردها، ولکن تو را این قدر بس است که تو از من به منزلت هارونی از موسی، الا آن است که پس از من هیچ پیغمبری نیست...» سپس ابن شهر آشوب سروده خود را که دارای مضامین این سه حدیث است آورده مبنی بر اینکه درباره امام علی علیه السلام غلو نکنید که برای هر پیامبری دشمنی قرار داده شده است [=غالیان دشمنان پیامبرند] از دیگر سو فرموده پیامبر اکرم (ص) را نیز درباره امام علی (ع) فراموش نکنید.

۲- دیگر سروده ابن شهر آشوب قطعه ای است در یازده بیت در معرفی دوازده امام و اوصاف هریک از ایشان (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۸۵، ۳۸۷/۱ - ۳۸۸). در این سروده حضرت علی علیه السلام پس از رسول خدا (ص) بهترین انسان معرفی و گفته شده که دین حنیف اسلام به وجود او قوام یافت و خیمه و خرگاهش بلند گشت. وی پس از نقل اوصاف دیگر امامان علیهم السلام به وصف امام عصر (عج) پرداخته و بیان داشته که آن حضرت خاور و باختر را از داد پرخواهد کرد (مضمون حدیثی است متواتر نزد شیعه و سنی. نک: احمد حنبل/ بی تا، ۱، ۹۹؛ مسعودی، بی تا، ۲۲۵؛ ابن قولویه، ۱۳۷۵، ۳۴۸؛ ابن طاووس، ۱۳۹۸، ۱۶۵).

۳- در سروده ای دیگر (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۸۵، ۳۹۱/۱) در سه بیت آورده که اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم السلام نشانه طیب ولادت است و دشمنی با آن ذوات پاک نشانه ناپاک زادگی. (مضمون احادیث فراوان و متواتر. نک: ابن بابویه، بی تا، ۱۲۸، مفید، ۱۴۰۳، ۳۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷/۱۴۵-۱۵۶، باب ۵).

۴- ابن شهر آشوب (۱۳۸۵، ۹۹/۳) در قطعه ای دیگر مشتمل بر چهار بیت پس از بیان این مطلب که حضرت علی علیه السلام تأویل «نور» در قرآن کریم است (نیز نک: مسعودی، بی تا، ۱۰۵، ۱۳۲) و اشاره به این آیه شریفه «انظرونا نقتبس من نورکم» (الحدید، ۱۳) آورده است:

قلبی المخمورُ من صهبائکم فافتؤوا ذا الخمر عن مخمورکم
 طورُ سینا انتمُ یا سادتی یا متی میعادنا فی طورکم
 یا امیرالمومنین المرتضی انظرونا نقتبس من نورکم
 قد طلبنا فضلکم قبل التوی انظروا طولاً الی مأمورکم

دل من سرمست از شراب محبت شما اهل بیت است. جوشش این شراب را از این سرمست خود فرو نشانید. «طور سینا» ی (معرفت) شماست. چه هنگام وعده ی ما در طور سینای شما فراخواهد رسید؟ سپس ابن شهر آشوب با تضمین آیه شریفه مذکور در سروده خود خطاب به امیرالمومنین عرضه می دارد: «ما را بنگرید تا از نور وجودتان روشنایی بگیریم. پیش تر جوای فضل شما بودیم (از این رو) بیش تر به این گماشته ی خود نظر افکنید».

۵- ابن شهر آشوب (۱۳۸۵، ۴۰۵/۳) پس از نقل حدیثی از شرحبیل آورده که پیامبر اکرم (ص) در روز ازدواج حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام ظرف بزرگی از شیر برگرفت و خطاب به دخترش فرمود: بنوش، پدرت به فدای تو باد! آنگاه ظرف شیر را به علی (ع) داد و فرمود: بنوش، پسرمویت فدای تو باد! سپس در سروده ای پنج بیتی به مقامات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اشاره کرده است.

سماُ صُلب المرتضی لفاطمِ عن انتسالِ الحسنینِ انفطرت
 و بانفطار نورها فی أرضهم کواکب فیها علینا انتثرت
 اذ البحار منها آیینا بالعلم والتأویل فینا انفجرت

و علمت من اهتدی بهدیهها ما حالها اذ القبورُ بُعِثَتْ
فعلمت ما قَدَمْتُ فی یومها مِنْ کُتِبِهَا بعقدها و أُخِّرَتْ

ابن شهر آشوب در این سروده به پنج آیه نخست سوره انفطار (۸۲) اشاره کرده و بخشهایی از آنها را اقتباس نموده است.

۶- در سروده ای دو بیتی نیز ابن شهر آشوب (همان ، ۳ / ۴۵۳) به پیروی از پیامبر و امامان علیهم السلام فرمان می دهد و می گوید که پیروی آنان سرزنش (الهی) را در پی نخواهد داشت.

۷- ابن شهر آشوب (همان ، ۴ / ۱۶۰) در سروده ای دو بیتی اشاره می کند که اگر اصحاب پیامبر به وجود پیامبر (ص) شرافت یافتند چگونه است که فرزندان او ، که جگر گوشه های او بودند، شرافت نیافتند (و کنار گذاشته شدند).

۸- آخرین بیتی هم که ابن شهر آشوب (همان ، ۴ / ۴۱۱) آورده درباره امامت امام نهم امام جواد علیه السلام است. نکته جالب آن است که ابن شهر آشوب پس از اشاره به لقب «التاسع» امام جواد (ع) گفته که در حساب جمل و هند و طبقات اسطرلاب مبنا عدد ۹ است و محور و پایه آن نه نهی است .

۹- در متشابه القرآن (۱۴۲۹ ، ۵۱/۲) نیز یک بیت از ابن شهر آشوب است :
و من یَهْتَدِ یَرشُد و من یَلقَ رَبَّهُ بکفراً من الاحزاب فالنارُ موعده

این بیت اقتباسی است از آیه ۱۷ سوره هود (۱۱): «و من یکفر به من الاحزاب فالنارُ موعده»

از آنچه گفته آمد می توان نتیجه گرفت:

الف- ابن شهر آشوب ادیب و دانشمندی ذوالفنون بود.

ب- در علم نحو و عربیت زبانزد بود.

- ج- آثار مستقلی در زمینه های ادبیات، بلاغت و امثال تألیف کرده بود.
- د- سروده هایی در مناقب اهل بیت علیهم السلام، که در برگیرنده مضامین آیات و روایات بوده از خود برجای گذاشته است.
- ه- اگر دیگر سروده های ابن شهر آشوب و یا دیوان اشعارش در دست می بود داوری جامع تری از مقام شاعری وی امکان پذیر می گشت.
- و- همین سروده های وی در «مناقب» بیانگر تعهد و التزام او به شعر دینی و آیینی است.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم.

- ۲- آقا بزرگ طهرانی . (۱۴۰۳). الذریعه إلى تصانیف الشیعه. بیروت : دارالاضواء .
- ۳- ابن بابویه صدوق، محمد. (بی تا). الخصال. با شرح محمد باقر کمره ای ، تهران : کتاب فروشی اسلامیه.
- ۴- ابن حجر عسقلانی. (۱۴۲۳). لسان المیزان. تحقیق عبدالفتاح ابوغده، بیروت.
- ۵- ابن شهر آشوب مازندرانی. (۱۴۱۰). متشابه القرآن و مختلفه. بامقدمه علامه شهرستانی، به کوشش حسن مصطفوی، قم : انتشارات بیدار.
- ۶- همو. (۲۰۰۸/۱۴۲۹). متشابه القرآن و المختلف فيه . تحقیق و تعلیق حامد المومن، بیروت : موسسه العارف للمطبوعات .
- ۷- همو . (۱۳۵۳ق). معالم العلماء . به تصحیح عباس اقبال آشتیانی ، تهران.
- ۸- همو. (۱۳۸۵). مناقب آل ابي طالب. به تحقیق یوسف البقاعی، قم .
- ۹- ابن طاووس ، علی بن موسی. (۱۳۹۸). الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر . قم.
- ۱۰- ابن فوطی شیبانی. (۱۹۶۲). مجمع الآداب فی معجم الألقاب. جزء ۴، ق ۱، تحقیق د. مصطفی جواد، دمشق.
- ۱۱- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۷۵). کامل الزیارات. به تصحیح بهراد جعفری یاشراف علی اکبر غفاری، تهران.
- ۱۲- ابن مغزلی، علی بن محمد. (۱۴۲۷). مناقب أهل البيت. تحقیق محمد کاظم المحمودی، طهران.
- ۱۳- ابوسعید خردگوشی نیشابوری. (۱۳۸۵). شرف النبی و معجزاته. ترجمه نجم الدین محمود راوندی (قرن ۶ هـ) به تصحیح محمد روشن و سید حسین رضوی برقی، قم.
- ۱۴- احمد حنبل. (بی تا). مسند احمد بن حنبل. بیروت: دارصادر.
- ۱۵- امین ، سید محسن . (۱۴۰۳). اعیان الشیعه ، تحقیق سید حسن امین ، بیروت.
- ۱۶- تفرشی، مصطفی بن الحسین. (۱۴۱۸). تقد الرجال. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- ۱۷- جاحظ، عمرو بن بحر. (بی تا). البیان و التبيين. تحقیق عبدالسلام محمد هارون ، بیروت .
- ۱۸- حرّ عاملی ، محمد بن الحسن. (۱۳۶۲). أمل الآمل. تحقیق السید احمد الحسینی ، قم.
- ۱۹- داودی ، شمس الدین محمد بن علی. (۱۹۸۳/۱۴۰۳). طبقات المفسرین ، بیروت : دارالکتب العلمیه .
- ۲۰- درگاهی ، زین العابدین . (۱۳۹۱). ابن شهرآشوب ساروی ، تهران .
- ۲۱- دعبل خزاعی. (۱۴۰۳). شعر دعبل الخزاعی . صنعه عبدالکریم الأشتر، دمشق.
- ۲۲- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۷). تاریخ الإسلام (حوادث و وفیات ۵۸۱-۵۹۰ هـ). تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت : دارالکتب العربی.
- ۲۳- سگاکي، ابويعقوب يوسف. (۱۹۳۷). مفتاح العلوم، قاهره .
- ۲۴- سیوطی، عبدالرحمان. (۱۹۶۴). بغیة الوعاه فی طبقات اللغویین والنحاه ، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره .
- ۲۵- صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک. (۱۹۷۴). الوافی بالوفیات. جلد ۴، تحقیق س. ددرینگ ، ویسبادن.
- ۲۶- فیروز آبادی ، مجد الدین محمد بن یعقوب . (۱۴۲۱). البلغه فی تراجم أئمة النحو واللغه. تحقیق محمد المصری، دمشق.

- ۲۷- قربانی زرین ، باقر. (۱۳۸۳). «جایگاه مباحث ادبی در تفسیر قرآن کریم». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد ، سال ۳۷، شماره ۱۴۵.
- ۲۸- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: موسسه الوفاء.*
- ۲۹- مسعودی، علی بن الحسین. (بی تا). *إثبات الوصیه. نجف اشرف.*
- ۳۰- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۰۳). *کتاب الأمالی. تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم: منشورات جماعه المدرسین.*
- ۳۱- یاقوت حموی. (۱۹۹۳). *معجم الادباء. تحقیق الدكتور احسان عباس، بیروت: دارالغرب الاسلامی.*